

دعای سیدالشهدا (ع) در هنگام گرفتاری

۱۲ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۶

یکی از ویژگی های سیدالشهدا (ع) ادعیه ای می باشد که این امام همام در مواقع گوناگون و به ویژه در مواقع گرفتاری بیان داشته اند.

در نورالابصار آمده است: عبدالله بن فضل بن ربیع، از پدر خود نقل کرده است که گفت: در سال ۱۴۷ هجری قمری که منصور دوانیقی، حجّ نموده بود، وقتی وارد مدینه شد، به ربیع [دربان خود] امر کرد: کسی را روانه ساز تا با توهین و سختی، جعفر بن محمد [امام صادق (ع)] را بیاورد. پس ربیع از دستور، چشم پوشی نمود و آن را فراموش شده انگاشت. روز دوم باز منصور، با تندی دستور خود را تکرار کرد. ربیع، حضرت را طلبید و به او عرض کرد: ای اباعبدالله! خدای را یاد کن، زیرا کسی تو را احضار نموده که شرّ او را جز خدا، دفع نمائند و من، بر جان تو بیمناکم. امام صادق (ع) فرمود: لاحول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم. ربیع ایشان را پیش منصور برد. چشم منصور که به حضرت افتاد، با تندی گفت: آیا اهل عراق، تو را امام خود گرفته، زکات اموالشان را برای تو، جمع آوری میکنند و با سلطنت من، معارضه میکنند و از پی فتنه و آشوبی؟ امام فرمود: ای امیر! به سلیمان عطا شد و شکر کرد. ایوب گرفتار شد و صبر کرد. به یوسف ظلم شد و عفو کرد. اینان، پیامبران خدا بودند که نسبت تو، به آنان می آرسد و تو می توانی، به آنان اقتدا کنی. منصور آرام گرفته، اظهار داشت: بله، ای ابا عبد الله! بفرما بالا نزد من. سپس گفت: ای ابا عبد الله! فلانی به من، این خبرها را داده است. حضرت فرمود: ای امیر! او را حاضر کن تا در این باره، با من رو به رو شود. مرد سخن چین را حاضر کردند. منصور به او گفت: آیا آنچه از جعفر بن محمد نقل کردی، راست است؟ عرض کرد: آری، ای امیر. حضرت فرمود: او را قسم بده. پس آن مرد، پیشدستی نموده، چنین سوگند یاد کرد: سوگند به خداوند بزرگواری که هیچ معبود بحقّی، جز او نیست! دانای پنهان و آشکار است. یگانه یکتاست و شروع کرد که صفات الهی را بشمرد. حضرت فرمود: ای امیر! آنگونه که من او را قسم ملامدهم، قسم بخورد. منصور گفت: هر طور میخواهی، قسمش بده. حضرت فرمود: بگو از حول و قوّة خداوند، بیرون شوم و به حول و قوّة خود پناه برم که جعفر بن محمد (ع)، چنین و چنان کرد. آن مرد، خودداری کرد، چون منصور، با نگاهی تند بر او نگریست، آن قسم را یاد نمود. پس در جا، پاهایش خشک شد و همانجا افتاد و مرد.

منصور که به هراس افتاده بود، دستور داد: مرده را از پاها کشیده، بیرون بیفکنند. سپس عرض کرد: ای ابا عبد الله! مهم نیست. ساحت شما، پاک و جانب شما، بلاعیب است و از غائله، در امانی. سپس گفت: بوی خوش و عطر و مشک بیاورید. عطر غالیه آوردند. پس با آن، محاسن حضرت آرا عطرآگین کرده، تا جایی که از آن ملاحظه کنید و سپس به حضرت، اجازه مرخصی داد و گفت: در حفظ و پناه خدا. ای ربیع! هدایای خوب و پوشاک گرانبها، تقدیمش کن. ربیع اضافه کرد: آنها را به حضرت تقدیم نموده، عرض

کردم: ای اباعبدالله! مَلَدیدم که وقتی با منصور، روبرو شدید، لبهای خود را حرکت مَلَدادید و هر قدر حرکت مَلَدادید، غضب منصور فرو مَلَنشست. لبها را به چه سخنی، حرکت مَلَدادید؟ فرمودند: به دعای جَدَم امام حسین (ع).

عرض کردم: سرورم! آن دعا کدامست؟ بیان داشتند: اللهمَّ يا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي، وَيَا عَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، اَحْرُسُنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي الَّتَنَامُ وَاكْتَفُنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَاَرْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلٰى فَلَا اَهْلَكَ وَاَنْتَ رَجَائِي. اللهمَّ اِنَّكَ اَكْبَرُ وَاَجَلُّ وَاَقْدَرُ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ، اللهمَّ بِكَ اَدْرَا فِي اَنْحَرِهِ، وَاَسْتَعِيذُ مِنْ شَرِّهِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بارالها؛ ای نیرو بخش منهنگام دشواریهایم و ای پناه من هنگام اندوهناکیم. مرا با چشم همیشه بیدارت، حفظ فرما و در سایه توانمندی خلل ناپذیر خویش، جای ده و به قدرتی که بر من داری، رحم کن تا نابود نشوم که تو امید منی. بارالها؛ تو، بزرگتر و شکوهمندتر و تواناتری، از آنچه من مَلَتَرسم و بیم دارم. بارالها؛ به تو پناه می بَرَم که تو، بر هر چیزی توانایی.

ربیع گفت: در هیچ سختی، آن را نخواندم مگر آنکه خداوند، فَرَجَم بخشید.

منابع:

۱- شبلنجی، نورالابصار: ۱۴۶.

۲- ابن خلکانوفیان الاعیان ج ۲: ۲۹۴.

۳- شیخ مفید، الإرشاد: ۲۷۲.

۴- علامه مجلسی، بحار الأنوار ج ۴۷: ۱۷۴.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۱۵۰/دعا۳-سیدالشهدا-دعا۳۲۱۵۰>